

Capacity Assessment of Ferdowsi's Shahnameh for a Security Theory

Seyed Sajjad Al Seyed Ghafoor

*Ph.D., Political Science Department, Research Institute of Islamic Sciences and Culture; a member of the Seminary
Political Studies Association, Qom, Qom, Iran. aleghafoor@gmail.com*

Abstract

This research seeks to answer the question of how security is realized and what its solution entails. The response to this inquiry is sought through one of the most significant Persian sources. A security theory and school comprise various elements and components, with seven elements usually holding greater significance. These elements include security, security dimensions, security reference, security level, friends and enemies of security, security acquisition methods, and strategic security solutions. These elements are understood by adapting them based on four axes: direct vocabulary, implied and commitment-related vocabulary, opposing concepts, and contextual and meaningful implications. Ferdowsi initiates the Shahnameh with a question about the emergence of governance, revealing the book's primary objective and focus. Therefore, the foundational axis of the Shahnameh revolves around the political system and its rise and fall. Consequently, the central theme examined in the Shahnameh is security. Personal security takes shape on one side with the individual and ruler, and on the other side, security entails preserving the government from external threats or foreign enemies.

Keywords: Security theory, civilization, Hakim Abu al-Qasim Ferdowsi, Shahnameh.

Received: 2021-04-15 ; **Received in revised form:** 2021-05-15 ; **Accepted:** 2021-06-05 ; **Published online:** 2021-06-15
<https://doi.org/10.22034/sm.2023.135309.1583>

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



ظرفیت‌سنجی شاهنامه فردوسی برای یک نظریه امنیت

سید سجاد آل سیدغفور

دکتری، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.
aleghafoor@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که امنیت چگونه محقق می‌شود و راه‌حل آن در چیست؟ پاسخ این پرسش از طریق یکی از مهم‌ترین منابع فارسی انجام شد. یک نظریه و مکتب امنیتی از عناصر و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است؛ اما غالباً هفت عنصر و مؤلفه از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، این مؤلفه‌ها عبارتند از: مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، دوست و دشمن امنیت، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی.^۱ روش این فهم از طریق شیوه تطبیق آن براساس چهار محور واژگان مستقیم، واژگان ضمنی و التزامی، مفاهیم مخالف و دلالت‌های سیاقی و معنایی انجام شد. فردوسی شاهنامه را با پرسش درباره چگونگی پیدایش حکمرانی آغاز می‌کند تا هدف و محور اصلی کتابش را نشان دهد. از این‌رو، محور بنیادین شاهنامه، نظام سیاسی و چگونگی ظهور و سقوط آن است. پس، موضوع اصلی با این نگاه در شاهنامه امنیت است. امنیت فردی از یک‌سو با فرد و حاکم شکل می‌گیرد و از سوی دیگر امنیت به معنای حفظ حکومت از شر خارجی یا دشمنان خارجی است.

واژه‌های کلیدی: نظریه امنیت، تمدن، حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه.

استاد به این مقاله: آل سیدغفور، سید سجاد (۱۴۰۲). ظرفیت‌سنجی شاهنامه فردوسی برای یک نظریه امنیت. سیاست متعالیه، ۱۱(۴۰):

ص ۲۷-۴۶. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.135309.1583>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه

۲. «نظریه امنیت متعالیه» نجف لک‌زایی در اجلاس‌های متعدد و پس از نقادی و ارزیابی‌های ثمربخش، در تاریخ ۹۷/۹/۱۴ با نظر شورای داوری، با درجه عالی و نمره ۹۰ به عنوان نظریه پذیرفته شد و حائز مرتبه «کرسی موفق» از سوی هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره شورای عالی انقلاب فرهنگی گردید.



۱. مقدمه

امنیت از مفاهیم بنیادی اندیشه سیاسی است، لازمه زندگی اجتماعی سالم بوده و در اندیشه اسلامی بر آن تأکید می‌شود. ناامنی در جامعه، همانند بیماری در فرد مورد توجه است. به عبارت دیگر، سلامت فرد در جامعه با امنیت معنا پیدا می‌کند و تعریف می‌شود، «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۸، ص ۱۷۰)، «دو نعمت است که قدر آن دانسته نمی‌شود، امنیت و عافیت.

بکار اندر اندیشه باید نخست / بدان تا شود ایمن و تن درست

ایمن به معنای امنیت، و تندرست به معنای عافیت است. رابطه موضوع امنیت با علم سیاست به وظیفه‌ای که این رشته برعهده دارد، برمی‌گردد. علوم سیاسی، متکفل موضوع دولت است. به عبارت دیگر، تنها علمی که به طور گسترده از دولت بحث می‌کند و به آن می‌پردازد، علم سیاست است. مهم‌ترین کارویژه دولت و وظیفه ذاتی دولت نیز امنیت است. بدون امنیت، از یک سو دولت به دلیل عمل نکردن به وظیفه اصلی خود ناکارآمد بوده و از سوی دیگر ناکارآمدی دولت، مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت نیز است. می‌توان گفت محور شاهنامه حکومت و مسایل حکومتی است و با آنکه درباره آن از جنبه‌های مختلف، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ اما موضوع امنیت در شاهنامه جدید و کاربردی به نظر می‌رسد. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که در نظام فکری و اندیشه‌ای فردوسی، امنیت، که از وظایف ذاتی دولت است، چگونه ساخته و پرداخته می‌شود. در پاسخ به این پرسش، اشعار فردوسی در قالب محورهای مهم امنیتی شناسایی و منظم شده و نظریه امنیتی وی تدوین می‌گردد.

۲. زمانه فردوسی

ابوالقاسم منصور بن حسن بن شرف‌شاه، شاعر بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری است (صفا، ۱۳۶۳: ص ۱۷۱). فردوسی در سال ۳۲۹ق در طبرستان (طوس) به دنیا آمد. از ایام کودکی او تا زمان سرودن شاهنامه اطلاعات دقیقی در دست نیست. کودکی وی همزمان با اوج قریحه رودکی و پیری او مصادف است. با آغاز سخن‌سرایی ناصر خسرو، ابن‌سینا و بیرونی معاصر فردوسی‌اند و رازی، طبری، غزالی، خیام و بیهقی با کمی فاصله به همان دوران تعلق دارند (مول، ۱۳۶۹: ص ۱۷). فردوسی به تقارن ۵۸ سالگی خویش با جلوس سلطان محمود غزنوی بر تخت سلطنت اشاره دارد؛ یعنی سال ۳۸۷ق (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۶۹). وی سرودن شاهنامه را در ۳۶ سالگی آغاز کرد. ۳۰ تا ۳۵ سال رنج برد، تا آن را به پایان رساند (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۴۹: ص ۱۲). او عمر خویش را نه برای سرودن شاهنامه که برای تهیه طرح‌نامه تمدنی خود صرف کرده است. شصت هزار بیت در سی و پنج سال؛ یعنی روزی حداکثر پنج بیت. این دقت، جز در تهیه طرح و

از همه مهم‌تر جای‌دهی در کل سیستم اندیشگی او نمی‌تواند صرف شده باشد. رنج او نه فقط در سرودن، بلکه در طرح تمدنی وی می‌گنجد.

بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی

از بیانات خود فردوسی برمی‌آید که او پیرو دین اسلام و مذهب شیعه بوده است (جوانشیر، ۱۳۵۹: ص ۸۲). وی در اواخر عمر به توس بازگشت و به سال ۴۱۱ ق به سن ۸۳ سالگی به سرای باقی شتافت.

۳. ساختار شاهنامه

شاهنامه میراث‌دار پراج روزگار کهن حکمت و فلسفه و سیاست ایران باستان است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۳۶). این کتاب را نباید تنها از دیدگاه ادبی یا تاریخی مطالعه کرد؛ زیرا فردوسی، مسایل گوناگونی را مطرح کرده است (منشادی، ۱۳۸۹: ص ۳۸). دوران سرودن شاهنامه، پر از هرج و مرج و ناآرامی بود. ساختارهای کهن اجتماعی و سیاسی به میزان زیادی سست شده و فروریخته بودند (اشپولر، ۱۳۷۹: ص ۴۱۰).

سراسر زمانه پر از جنگ بود/ بجویندگان بر جهان تنگ بود

فردوسی شاهنامه را از روی روایات باستان تحریر کرده است. روایات باستانی ایران به صورت مکتوب و سینه به سینه در میان مردم وجود داشته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (کسرای، ۱۳۸۶: ص ۲۱۷). دل‌مشغولی اصلی این شاعر در سرودن شاهنامه، هویت ملی، پاسداری از زبان پارسی، امنیت، عدالت و... است. شاهنامه مطالبش را در قالب اسطوره بیان می‌کند (مختاریان، ۱۳۸۹: ص ۲۱۷). اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است (الیاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴). شاهنامه به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره اساطیری، از عهد کیومرث، هوشنگ و جمشید تا فریدون ادامه دارد. این دوره نزاع بین آدمیان و دیوان، اساس داستان شاهان و سرانجام آن به سود آدمیان است.

۲. دوره پهلوانی، با درگیری بین خیر و شرّ شروع می‌شود که در قیام کاوه آهنگر به همراه فریدون علیه ضحاک تجلی می‌یابد. این دوره پهلوانی با قتل رستم و سلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد.

۳. دوره تاریخی، که در آن تصورات پهلوانی و اعمال خارق‌العاده به تدریج از بین می‌رود و اعمال تاریخی جایگزین می‌شود (رجایی، ۱۳۷۲: ص ۶۸).

شاهنامه با پرسش درباره چگونگی پیدایش حکمرانی آغاز می‌شود. در واقع فردوسی با این شیوه هدف و محور اصلی فکرش را نشان می‌دهد. اگر قرار است ساختار پادشاهی و حکومتی استوار و دیرینه باشد، سزاوار است که سه اندیشه و نهاد جمع شود: زور، آیین و قرّ (حمیدیان، ۱۳۸۳: ص ۱۰۱)؛ یعنی داشتن قدرت و توانایی‌های لازم برای اعمال و اجرای احکام، دانستن و درک تفکر و نظام فکری جامعه که شدیداً تحت تاثیر

تفکر دینی بوده و تفکر دنیوی که خداوند به افراد اعطاء می‌کند که نیروی تأییدکننده اوست (کسرائی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۹).

در شاهنامه، شاه توسط چندین اهرم کنترل می‌شود: اهورا مزدا، خدای آفریننده فرّ، موبدان، که حافظان شریعت هستند، پهلوانان بزرگ، که دارای فرّ ایرانی هستند و شاه را نصیحت می‌کنند (ادیب برمند، ۱۳۷۹: ص ۹۶). در شاهنامه تأکید بر آزادی‌جویی و آزادی‌جهان‌پهلوانان و مراقبت آنان در کار شهریاری و انتقادهای تند از رفتار شاهان است (پرهام، ۱۳۷۳: ص ۱۰۷-۱۰۹)، مانند زمانی که کاووس قصد حمله به ماندران می‌کند، بزرگان از زال می‌خواهند تا او را نصیحت و از این کار بازدارد:

ز تو پیشتر پادشاه بوده‌اند / که این راه هرگز نیموده‌اند (۴۶۹۹)

مردان را با شمشیر نتوان شکست / بگنج و بدانش نیاید بدست (۴۷۰۵)

سپه را بران سو نباید کشید / ز شاهان کس این رأی هرگز ندید (۴۷۰۸)

همچنین مردم که در شاهنامه فردوسی نقش اساسی دارند. بیداد شاه باعث ایجاد غوغا و آشوب است (اصیل، ۱۳۷۱: ص ۵۷).

۴. امنیت در شاهنامه

پژوهش حاضر درصدد است با بررسی شاهنامه به نظریه‌ای منظم و کاربردی در ارتباط با امنیت، با توجه به اندیشه‌های فردوسی درست یابد. از آنجایی که مفروض پژوهش حاضر آن است که وی حکیمی مسلمان است؛ در نتیجه نظریه برآمده از آن نظریه‌ای اسلامی خواهد بود. از آنجایی که در شاهنامه از کلمات عربی مانند امنیت استفاده نشده است، با مراجعه و بررسی کلمات مشابه مانند: ایمن، هراس، گزند، آباد و... مفهوم امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵. مفهوم امنیت

تاکنون تعاریف بسیاری از امنیت ارائه شده است که گاهاً با یکدیگر در تضاد بوده‌اند. از مشکلات بحث درباره امنیت، تعیین مفهوم امنیت است. طبیعی است که هرکس از زاویه و منظر نظام معنایی خاص خود به پدیده‌های ذهنی یا ذهنی - عینی، معنا می‌بخشد (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۸). پس از بررسی اشعار فردوسی می‌توان به این نتیجه رسید که مفهوم امنیت به دو بخش مفهوم موافق و مخالف تقسیم شده است. مفهوم موافق به معنای برداشتی مستقیم و مفهوم مخالف به معنای برداشتهای مخالف و متضادی است که در طرف مقابل مفهوم ایمنی قرار دارند.

۵-۱. مفهوم موافق

واژه شادی یا شاد در اندیشه فردوسی دارای اهمیت است. در بخش‌های زیادی از شاهنامه این واژه و موارد مشابه آن وجود دارد. هرچند به نظر می‌رسد که این واژه در نگاه اول ساده و همچنین به مباحث روان‌شناختی هر شخص اشاره دارد، ولی دارای کارکردهای دیگری نیز است. نبود غم و اندوه، هراس و گزند به معنای وجود فضایی است که شخص در آن با آرامش زندگی می‌کند و همچنین رسیدن به مرحله‌ای است که فیلسوف یونانی ارسطو از آن با عنوان فراغت نام می‌برد.

همان ایمنی شادمانی بود / کراز اخترش مهربانی بود

و با عدالت و داد است که شادی به ثمر می‌نشیند:

بیاراست تخت و بگسترد داد / بشادی و خوردن دل اندر نهاد (۵۸۵۶)

شادی یعنی تهی از غم:

برفتند هر دو به یک‌جا به هم / روان شادمان و تهی دل ز غم

خرد، غم را از بین می‌برد:

چنین است رسم سرای سپنج / یکی زو تن آسان و دیگر برنج (۶۱۲۸)

برین و بران روز هم بگذرد / خردمند مردم چرا غم خورد (۶۱۲۹)

ارسطو معتقد است که روز را باید به سه بخش تقسیم نمود: کار، سرگرمی و فراغت. فراغت بخشی از زندگی است که در آن فکر انجام می‌شود و فلسفه از این مرحله شروع و پرورش می‌یابد. به نظر ارسطو، فراغت وضع ایده‌آلی است که هر شهروند به دنبال و در آرزوی آن است. بهترین فضیلت و خوشبختی نیز داشتن اوقات فراغت و صرف آن در زندگی سیاسی و فعالیت فکری و ذهنی است. در مقابل، در معنایی دیگر امام علی (ع) زندگی را به سه قسمت: کار، تفریح و عبادت تقسیم می‌نماید که بالاترین مرحله عبادت، تفکر است، «وَقَالَ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَائِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ»، «وقت مؤمن سه قسمت است: وقت و ساعتی که برای مناجات و دعا و عبادت است؛ وقت و ساعتی که برای کسب معاش و درآمد است؛ وقت و ساعتی که برای تفریح و استفاده از لذت‌های حلال است (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۹۰). شادی را همچنین می‌توان به معنای رضایت دانست، رضایت از وضعیت فردی، اجتماعی و سیاسی که به معنای مشروعیت حکومت است. فردوسی بین شادی و امنیت رابطه محکمی برقرار می‌کند که ایمنی به معنای شادی و از میان رفتن غم و اندوه است.

هر آنکس که گشت ایمن او شاد شد / غم و رنج با ایمنی باد شد

۵-۲. مفهوم مخالف

۱. هراس و گزند: فردوسی هراس و گزند را در مقابل امنیت می‌داند. پس، این دو مفهوم مخالف امنیت هستند.

مرا مرگ خوش‌تر بنام بلند / ازین زیستن با هراس و گزند

و

بدین گونه تا یکسر ایمن شدند / ز چون و چرا و نهیب و گزند (۵۶۵۱)
فردوسی امنیت را در رضایت پروردگار می‌بیند که ناسپاسی از خداوند، هراس هر دو سرا را در پی دارد. بنابراین، رضایت پروردگار حافظ امنیت عقبایی انسان نیز می‌باشد و همچنین به معنای راهکارهای دستیابی به امنیت اخروی و بقای ابدی است.

به یزدان هر آنکس که شد ناسپاس / به دلش اندر آید ز هر سو هراس

۲. ویرانی: مفهوم مخالف دیگر، ویرانی است:

سپه سازد و رزم ایران کند / بسی زین بر و بوم ویران کند (۷۷۶۸)

و

سراسر پر آشوب گردد زمین / ز بهر سیاوش بجنگ و بکین

بدانگاه یاد آیدت راستی / که ویران شود کشور از کاستی

۳. غم و رنج مفهوم‌های مخالف دیگر امنیت هستند. آنجا که سیاوش می‌گوید:

پر از رنج گردد سراسر زمین / دو کشور شود پر ز شمشیر و کین (۸۸۷۳)

غم و گزند با یکدیگر همراه هستند:

دل شاه زان کار شد دردمند / پر از غم شد از روزگار گزند (۹۱۱۳)

زمانی که گزند نباشد، غمی هم نخواهد بود و دوران شادی مهیاء می‌شود:

که ای پهلوان جهان شاد باش / ز تیمار و درد و غم آزاد باش (۱۳۴۷۵)

در امنیت مهم‌ترین بحث، نگرشی است که به امنیت می‌شود که تنها تلاش برای بقای دنیوی است و یا آنکه شامل بقای دنیوی و اخروی می‌شود. آنچه در نگاه فردوسی مهم و اساسی به نظر می‌رسد، امنیت در هر دو جهان است، ایمان به خدا و معاد در اندیشه سیاسی فردوسی مهم قلمداد می‌شود و لذا جنبه امنیت ابدی و اخروی مورد توجه است:

ز یزدان شناسد همه خوب و زشت / بیاداش نیکی بجوید بهشت

از کلیدواژه بجوید، بقای ابدی را می‌توان استخراج کرد. تاکید فردوسی بر امنیت دو جهان است و نگاه و توجه به دنیای دیگر است:

سرانجام بستر جز از خاک نیست / ازو بهره زهرست و تریاک نیست (۱۰۲۶۱)

چو دانی که ایدر نمانی دراز / بتارک چرا بر نهی تاج آز
همان آز را زیر خاک آوری / سرش را سر اندر مغاک آوری

۶. ابعاد امنیت

در مکاتب مختلف، به ابعاد متفاوتی از امنیت اشاره شده است. در مکاتب رئالیستی، امنیت را دارای تنها یک بعد؛ یعنی بعد نظامی منحصر می‌کنند. این مکتب از ابعاد مضیق دفاع می‌کند. در مکتب کپنهاک از ابعاد موسع امنیت نام برده می‌شود که عبارتند از: ابعاد سیاسی، ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی و ابعاد زیست محیطی. در شاهنامه به جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی از امنیت اشاره شده است و انکاء به بعد نظامی تنها مورد انتقاد قرار می‌گیرد:

نباشی بس ایمن ببازوی خویش / خورد گاو نادان ز پهلوی خویش

در موارد بسیار دیگر، فردوسی به غیر از بعد سخت‌افزاری اشاره دارد و ابعاد دیگر را مورد توجه قرار داده و مهم می‌داند، اما وی از بعد نظامی غفلت نکرده است.

۶-۱. ابعاد نظامی

سوی هفتخوان رخ بتوران نهاد / همی رفت با لشکر آباد و شاد

خطاب کاووس به رستم، اشاره صریح به امنیت و ابعاد نظامی دارد:

جهان ایمن از تیر و شمشیر تست / سر ماه با چرخ در زیر تست

۶-۲. ابعاد اقتصادی

در بحث مفهوم امنیت گذشت که فردوسی میان ایمنی و شادی رابطه برقرار می‌نماید. در بسیاری موارد دیگر وی میان آباد و شادی نیز ارتباط برقرار می‌کند که اگر ویرانی از میان برود و امنیت پدید بیاید، شادی گسترش می‌یابد و این را می‌توان بسیار نزدیک به امنیت اقتصادی دانست.

بکوشید و ویرانی آباد کرد / دل زیر دستان بدان شاد کرد

و در جای دیگر با اشاره به مفهوم مخالف می‌گوید:

بهر جای ویرانی آباد کرد / دل غمگنان از آزاد کرد

در شاهنامه می‌توان آباد را به کارآمدی نزدیک دانست. کارآمدی به معنای موفقیت در رسیدن به اهداف است. امنیت و کارآمدی با یکدیگر رابطه دو سویه دارند، به این معنا که ناکارآمدی دولت، مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت است و از سویی دیگر نبود امنیت، نشان‌دهنده ناکارآمدی دولت نیز می‌باشد. توجه به مناسبات کارآمدی و دولت با نگاهی به امنیت مهم و قابل توجه است. مناسبات به معنای تاثیر و تأثر است؛ به این معنا که نقش امنیت در کارآمدی چیست و همچنین نقش کارآمدی در امنیت چگونه است. به عبارت دیگر زمانی که امنیت اقتصادی پدید بیاید، آبادانی، عمران و کارآمدی حاصل می‌شود. در کنار هم قرار گرفتن گنج و آباد به امنیت اقتصادی اشاره دارد؛ آنجا که فریدون پس از ضحاک بر تخت شاهی می‌نشیند:

مرا پادشاهی آباد هست / همان گنج و مردی و نیروی دست (۱۱۱۸)

۶-۳. ابعاد اجتماعی

فردوسی تأکید دارد که همه نیکی‌ها از جانب خداست. تذکیر نفس و ناسپاس نبودن مطلوب بوده و این به معنای بعد فرهنگی، اخلاقی و تربیتی است (آراستگی و پیراستگی نفس).

همه نیکوی‌ها ز یزدان شناس / مباحش اندرین تاجور ناسپاس

فردوسی در شاهنامه چنین سخن می‌گوید که نشان‌دهنده اهمیت امنیت فرهنگی است:

ز باران از تابش آفتاب / بناهای آباد گردد خراب

که از باد و باران نیابد گزند / پی افکندم از نظم، کاخی بلند

۶-۴. ابعاد سیاسی

در شاهنامه به داد و عدالت از این جهت که جنبه و بعد سیاسی امنیت هستند و موجب رضایت‌مندی مردم و بقای نظام سیاسی هستند، تأکید می‌شود.

بداد و دهش گیتی آباد دار / دل زیردستان خود شاد دار

با توجه به گستردگی اشعار فردوسی درباره داد و عدالت و مباحث سیاسی و اشاره‌ای که از این ابیات

می‌توان برای بخش ابزارهای تحویل امنیت استفاده نمود، در بخش‌های آینده به آنها اشاره می‌شود.

۶-۵. ابعاد زیست محیطی

از مهم‌ترین ابعاد امنیت در شاهنامه اشاره به این بعد است.

بزد گردن غم بشمشیر داد / نیامد همی بر دل از مرگ یاد

زمین گشت پر سبزه و آب و نم / بیاراست گیتی چو باغ ارم

توانگر شد از داد و ایمنی / ز بد بسته شد دست اهریمنی
 از «بیاراست» و اشاره به سرسبزی زمین و خرمی آن می‌توان اشاره فردوسی به امنیت زیست محیطی را استخراج نمود.

۷. مرجع امنیت

عبارت است از غایت امنیت که امنیت‌های دیگر فدای این امنیت نهانی می‌شود. مثلاً فرد جان خود را به خطر می‌اندازد و کشته می‌شود تا این امنیت پابرجا بماند؛ مثل حفظ وطن. در نظام فکری فردوسی دین دارای اهمیت بالایی است. هرچند وی در جهت احیای هویت ایرانیان تلاش بسیاری دارد، با این حال تضادی میان دین و هویت ملی نمی‌بیند. وی حفظ دین را لازم می‌داند و در کنار آن شهریار قرار می‌گیرد. رابطه دین و دولت در اینجا شکل می‌گیرد. کشور بدون حاکم غیرممکن است:

یکی کم شود دیگر آید بجای / جهان را نماند بی کدخدای (۴۴۵۴)

البته شهریار هم شرایطی دارد که فردوسی به طور مفصل آن را در قالب داستان‌های تاریخی بیان می‌کند. امور حکومت با یاری دین سامان می‌یابد و دین نیز به پشتیبانی حکومت نیازمند است.

چو بر دین کند شهریار آفرین / برادر شود شهریاری و دین

نه بی تخت شاهی است دینی به پای / نه بی دین بود شهریاری به جای

دو دیبا است یک در دگر تافته / برآورده پیش خرد تافته

نه از پادشا بی نیاز است دین / نه بی دین بود شاه را آفرین

چنین پاسبانان یکدیگرند / تو گویی که در زیر یک چادرند

چو دین را بود پادشا پاسبان / تو این هر دو را جز برادر مخوان

اما در جایی که حاکم از دین تخطی کند، به بدترین صورت به او می‌گوید:

چنان بود فرمان یزدان پاک / که بیدادگر شاه گردد هلاک

خدا باوری و دین‌مداری، از ویژگی‌های برجسته انسان کامل به‌شمار می‌آیند. انسان اساطیری گذشته از توانایی جسمی فوق‌العاده، همه‌پیروزی خود را از خداوند می‌داند و جز او برای خود پناه و پشتیبانی نمی‌جوید (رزمجو، ۱۳۶۸: ص ۴۵).

جهان آفریننده یار من است / سر اختر اندر کنار من است

در واقع زمانه فردوسی به گونه‌ای است که حماسه و حماسه‌سرایی توانست با القای روح پهلوانی و مبارزه

پاسخی به آن وضع ناخوشایند و راهی برای رهایی از آن باشد (بیهقی، ۱۳۸۳: ص ۲۱-۲۳)؛ زیرا اعمال و رفتار قهرمانان در اسطوره‌ها و حتی خطاهای آنان خالی از جنبه‌های قهرمانی نیست (حسینی، ۱۳۵۱: ج ۱، ص ۵۳). در اندیشه سیاسی فردوسی خداوند مرجع امنیت و همچنین سازنده واقعی آن است. انسان با تمسک به خداوند و تکیه بر او می‌تواند به آرامش و امنیت دنیوی و ابدی برسد که «الا بذكر الله تطمئن القلوب»:

همه پشت را سوی یزدان کنید / دل خویش را شاد و خندان کنید

۸. سطح امنیت

به معنای آن است که امنیت در چه مرحله‌ای مورد توجه است. در نگرش‌های غربی امنیت در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی مورد توجه است. در حالی که در نگرش اسلامی امنیت در سطح خرد، یعنی فرد اهمیت بالایی دارد. در اندیشه فردوسی همانگونه که از اشعار وی مشخص است، فرد دارای اهمیت بالایی است. جامعه ایمن، محصول امنیت فرد و تک‌تک افراد جامعه است. از فرد است که جامعه به امنیت می‌رسد، اگر ایمنی افراد حاصل شود، امنیت جامعه حاصل شده و دولت که متکفل این وظیفه است، به وظیفه ذاتی خود به خوبی عمل کرده و کارآمد است. در سایر بخش‌ها اشعار در مورد امنیت در سطح فردی آمده است. فردوسی از اهمیت امنیت ملی و بین‌المللی فروگذار نکرده و در ادامه امنیت فردی به سایر سطوح امنیت اشاره می‌کند:

همه بوم و بر باغ آباد بود / دل مردم از خرّمی شاد بود

و همچنین امنیت در سطح بین‌المللی تاکید نموده است:

کزیشان جهان یکسر آباد بود / بدانگه که اندر جهان داد بود

و در جای دیگر فردوسی، داد را موجب ایمنی از دریای چین تا روم می‌داند:

که از داد شه گشت آباد بوم / از دریای چین تا بدریای روم

دوست و دشمن: به معنای تهدیدکننده یا همراه است. آنهایی که برای فرد یا خانواده یا اجتماع یا در سطح ملی و بین‌المللی تهدید هستند، دشمن و آنهایی که امنیت‌ساز هستند، دوست محسوب می‌شوند. اساس و بنیان اساطیری و دینی و آیینی ایران باستان را می‌توان در مقارنه و برابری دوگانه دانست. اعتقاد به این امر در آیین زرتشتی ثنویت نامیده می‌شود. بنیان این تفکر اعتقاد به وجود دو نیروی اساساً متضاد است که در امور جهان دست دارند (هیلنز، ۱۳۸۱: ص ۶۷). در آثار به‌جا مانده در متون کهن ایران، تقابل و جدایی بین دو نیرو دیده می‌شود. در شاهنامه تقابل بین خیر و شرّ در قالب کلی ایران و انیران طراحی شده است. دشمنان ایران در شاهنامه که به عنوان کلی شرّ شناخته می‌شوند، عبارتند از: دیوان، تورانیان، رومیان، تازیان (صفا، ۱۳۸۷:

ص ۶۰۰). البته تشخیص دوست و دشمن مشکل است، آنجا که کی خسرو می‌گوید:

کنون بر برادر بیاید گریست / ندانم مرا دشمن و دوست کیست (۱۲۱۹۸)

در شاهنامه، خرد، دانش، بخشش، پرهیزکاران و... دوست تلقی می‌شوند و حرص و هوس و نادانی و انسان‌های عیب‌جو و سخن‌چین دشمن دانسته شده‌اند.

دلت گر به راه خطا مایل است / ترا دشمن اندر جهان خود دل است

اخلاق شهریان هم باید به این صورت باشد. آنجا که جمشید که در ابتدا دادگر بود، منیت کرد و گمراه شد:

منی کرد آن شاه یزدان شناس / یزدان بیچید و شد ناسپاس

و نتیجه کار جمشید ناامنی و شکست شد:

منی چون بیبوست با کردگار / شکست اندر آورد و برگشت کار

دوست و همراه امنیت به معنای حاکمان دادگر و مصلح بوده و در مقابل دشمنان امنیت هم شهریان و صاحبان منصبی هستند که براساس ظلم حکمرانی می‌کنند. در شاهنامه نام پنجاه و دو تن از پادشاهان آمده است و به سه دسته تقسیم شده‌اند. اول، شاهان ستم‌پیشه که مفهوم قدرت و حکومت برای آنان جز ستمگری نیست، مانند: ضحاک، شیرویه، دوم، شاهانی که قدرت و حکومت خویش را در مسیر داد و عدالت به کار گرفته‌اند. همیشه شاهان بی‌دادگر بر دادگر فزونی دارند و این دغدغه فردوسی است، مانند فریدون، کیخسرو، بهرام‌گور. شوریدن علیه پادشاهان دادگر، ویژگی بی‌دینان است:

هرآنکس که بر دادگر شهریار / گشاید زبان، مرد دینش نخوان

سوم شاهانی که قدرت را نردبانی برای خودکامگی‌های خویش قرار داده‌اند. هرچند ایشان در اندیشه آزار مردم نیستند؛ اما با بی‌خردی، رنج دوچندان را بر مردمان ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که رنج و آزار این دسته کمتر از بی‌داد دسته اول نیست، مانند: جمشید، کاووس، قباد، اسفندیار، خسرو پرویز. آنجا که کاووس خود را بی‌نیاز می‌بیند:

چو کاووس بگرفت گاه پدر / مر او را جهان بنده شد سر بسر (۴۵۹۹)

ز هر گونه گنج آکنده دید / جهان سر بسر پیش خود بنده دید (۴۶۰۰)

فردوسی شوم‌ترین و بدترین شاه ایران را شیرویه می‌داند:

به شومی بزد و به شومی بمرد / همان تخت شاهی پسر را سپرد

بهترین پادشاه از نظر فردوسی، بهرام‌گور است؛ زیرا او بسیار در اندیشه شادمانی و آسایش مردمان زیردستش بوده است. فریدون هم پس از تسلط بر ضحاک، مناصب و مشاغل مملکتی را براساس شایستگی‌ها و موازین

خرد و عدالت به زیردستان سپرد. فریدون به عنوان شهریار دادگر، دوست امنیت و محبوب مردم، و ضحاک، بی‌دادگر، دشمن امنیت و دشمن مردم است:

همه در هوای فریدون بندند / از درد ضحاک پر خون بندند (۹۷۹)

برخی از مفاهیم بکار رفته مانند خرد، عدالت، پرهیز از دروغ، گفتار نرم، دلداری زیردستان، پرهیز از هوس، آز، سخن‌چینان، نادانان و بی‌شرمان، عیب‌جویان، عدم خشم به پرهیزکاران، بردباری و پرهیز از عجله کردن، حفظ نام نیک، دوستی نکردن با دشمنان و... شامل این بخش می‌شود.

۹. روش‌های تحصیل امنیت

شامل روش‌هایی است که توسط آنها امنیت حاصل می‌شود و راهبردهای امنیت‌ساز هستند. راهبرد، مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته است این مفهوم در سیاست به معنای طرح عملیاتی برای دستیابی به هدف است. پس، راهبرد به معنای هدف نیست؛ بلکه روش‌ها، اقدامات و برنامه‌هایی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده، می‌باشد. روش‌ها و راهبردهای امنیت‌ساز در شاهنامه عبارتند از:

۱. ایمان: ایمان در اندیشه فردوسی مهم است و آن را باعث ایمنی می‌داند:

چنین داد پاسخ کزان شهریار / که ایمن بود مرد پرهیزکار

و ایمان چاره‌گر است:

تو گر چاره‌ی دانی اکنون بساز / هم از پاک یزدان نه ای بی‌نیاز

خداوند است که امنیت می‌دهد و ایمان پاسخ به نیازهاست:

که یزدان ترا بی‌نیازی دهد / بلند اخترت سرافرازی دهد

در اندیشه فردوسی کسانی که ایمان آورده و خداپرست هستند، از ظلم پرهیز می‌کنند، یعنی ایمان درونی موجب امنیت بیرونی و پرهیز از ظلم می‌شود:

بچیز کسان کس میازید دست / هر آنکس که او هست یزدان پرست

۲. دین: جایگاه دین در نزد حکیمی چون فردوسی که می‌خواهد نظام اجتماعی-سیاسی کارآمد و

تمدن‌ساز را بسازد، بسیار مهم است:

ترا دانش و دین رهاند درست / در رستگاری بیایدت جست

و در جای دیگر به اهمیت دین نزد حکومت اشاره می‌شود:

تن شاه دین را پناهی بود / که دین بر سر او کلاهی بود

۳. داد استوارترین رکن بینش سیاسی فلسفی را تشکیل می‌دهد (جوانشیر، ۱۳۵۹: ص ۱۰۳). برقراری

عدالت در اندیشه فردوسی اهمیت بسیاری دارد؛ تا آنجا که داد و ایمنی در موارد زیادی ملازم و همراه یکدیگرند. در اندیشه اسلامی نیز بر عدالت‌گستری تاکید می‌شود و ارسال رسل در این راستا قرار می‌گیرد: «لیقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵).

چوزان نامداران جهان شد تهی / تو تاج فزونی چرا بر نهی (۸۸۰۸)

نباشی بدین گفته همداستان / یکی شو بخوان نامه باستان

کزیشان جهان یک سر آباد بود / بدانگه که اندر جهان داد بود

فردوسی مستبدین و زورگویان را به داد دعوت کرده و از ستم و جور بری داشته است. تا در اعمال و رفتار خود آن را پایه و اساس قرار دهند (کسرای، ۱۳۸۶: ص ۲۳۰).

جهانی شده ایمن از داد او / بکشور نبودی بجز یاد او

عدالت نه تنها به امنیت می‌رسد، بلکه مقدمات آبادی یک دولت و حکومت را در جامعه فراهم می‌نماید؛ آنجا که هوشنگ پادشاه دادگر ایران می‌گوید:

بفرمان یزدان پیروزگر / به داد و دهش تنگ بستم کمر

و پس از آن فردوسی می‌گوید، نتیجه اقدامات او این‌گونه شد:

همه روی گیتی پر از داد شد / بهر جای ویرانی آباد شد

فردوسی طرفدار آتشین استقرار داد در جامعه است. داد در شاهنامه جوهره و چکیده همه خوبی‌ها و شایستگی‌های انسان است. مفاهیم گسترده و معانی متعدد داد از جمله: حق، قانون معیار سنجش، راستی و عدالت و غیره، آن را به عنوان مفهومی کلیدی معرفی می‌کند (رنجبر، ۱۳۶۳: ص ۹۵).

۴. خرد و دانایی از شیوه‌های مهم رسیدن به توانایی و امنیت است. فردوسی در آغاز کتاب در طی ۱۵ بیت، چهار مرتبه کلمه خرد، چهار بار اندیشه و دو بار از کلمه دانایی و دانش استفاده می‌کند، که نشانگر اهمیت عقل‌گرایی در نظر فردوسی است. وی در ۱۹ بیت بعدی، ۱۶ مرتبه از کلمه خرد و مشتقاتش و دو مرتبه از کلمه دانش استفاده می‌کند (ناجی، ۱۳۹۰: ص ۸۰).

بکار اندر اندیشه باید نخست / بدان تا شود ایمن و تن درست

در کنار هم قرار گرفتن دانش، گنج و آبادنی، به اهمیت اندیشه در نزد فردوسی اشاره دارد که این سه اگر در کنار یکدیگر قرار بگیرند، تمدنی جهانی ساخته خواهد شد:

هم دانش و گنج و آباد هست / بزرگی و مردی و نیروی دست

عقل، خرد و دانش در شاهنامه فردوسی بر همه چیز ترجیح داده شده، شاید لفظ حکیم نیز به همین دلیل

بر قامت رشید این رادمرد ادب فارسی آراسته است؛ چه روشن است که حکمت از نظر لغوی معنی دانش، داد و خرد دارد (رنجبر، ۱۳۶۳: ص ۱۳).

دلی کز خرد گردد آراسته / یکی گنج گردد پر از خواسته (۸۰۴۹)

خرد در شاهنامه دارای جایگاهی والاست که برخی از آن به عنوان استوارترین رکن بیش فردوسی نام برده‌اند (جوانشیر، ۱۳۵۹: ص ۸۰). خرد و دانش نیز رابطه‌ای نزدیک با یکدیگر در شاهنامه دارد. گرچه خرد با دانش برابر نیست و در جایگاهی برتر قرار می‌گیرد؛ اما همنشینی زیبایی بین این دو وجود دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۳۲).

خرد همچو آبست و دانش زمین / بدان کین جدا، و آن جدانیست زین

پادشاهی کیکاوس دوران نبرد بین خرد و بی‌خردی است که کارهایش مورد انتقاد شدید پهلوانان قرار می‌گیرد. برعکس دوران کیخسرو اوج خرد سیاسی است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۳۴).

همان از يك اندیشه آباد شد / دل شاه ایران ازین شاد شد

خرد با اطاعت از دادگر معنا می‌یابد:

هر آنکس که از دادگر یک خدای / بیچند نیارد خرد را بجای (۴۹۱۳)

فردوسی به دنبال یک راه‌چاره و نجاتی است که به آرامش و امنیت می‌انجامد، از این نظر وی را می‌توان اندیشمندی دانست که همانند آنچه بعدها به نظریه بحران اسپریگنز معروف شد، مشکل را مشاهده کرده، ریشه‌های آن را مورد بررسی قرار داده و در پی ارائه وضع مطلوب و راه نجات جامعه است. محورهایی که اسپریگنز، شناسایی مشکل، ریشه‌یابی مشکل، ترسیم وضعیت مطلوب، شیوه انتقال از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌نامد (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ص ۵۵). فردوسی با این طرح، با واقع‌گرایی، ساختار سیاسی ایران را مورد بررسی قرار داده است. وی در سرودن شاهنامه به مشکلات جامعه می‌اندیشد. مشکل اصلی را طرح می‌کند و راه‌حل عملی پیشنهاد می‌دهد و به وضع مطلوب سیاسی و اجتماعی می‌اندیشد. پس از آن با استفاده از این روش، وضع مطلوب را تبیین و توصیف می‌کند و وضع موجود را به نقد می‌کشد. فردوسی در شاهنامه، موضوع‌های نظری (آرمان‌گرایی) و موضوع‌های عملی (سیاست) را هم‌زمان به‌کار گرفته است (منشادی، ۱۳۸۹: ص ۳۸-۵۴). بنیان‌ها و اصول یک حکومت و جامعه مطلوب را می‌توان در شاهنامه مشاهده کرد.

۱۰. راهکارهای استراتژیک امنیتی

شامل شعارها و اهداف اصلی هستند که مورد تاکید قرار می‌گیرند. امنیت در نظام فکری فردوسی به عنوان

امری سیاسی است که روی گسل‌های ناامنی قرار دارد و لرزان است، فرض می‌شود. امری که همیشگی نیست و باید آن را در خطر دید و برای حفظ یا ایجاد آن اقداماتی مناسبی انجام داد. پس، باید همیشه برای امنیت برنامه داشت و تئوری ساخت.

ز برگشتن دشمن ایمن مشو / زمان تا زمان آگهی خواه نو
 اشتباه استراتژیک امنیت در جایی است که امنیت و ناامنی درست تشخیص داده نشود:

بر نیستان بستر خواب ساخت / در بیم را جای ایمن شناخت
 کسانی که امنیت‌سازند و آن را برای مردم فراهم می‌سازند، مهم و مورد احترام شمرده می‌شوند و در سرتاسر جهان به نیکی از آنها یاد می‌شود. پس، امنیت شادمانی جهان، و عاملانش به نیکی (در اینجا هوشنگ) نزد مردم یاد می‌شوند.

کز آباد کردن جهان شاد کرد / جهانی بنیکی ازو یاد کرد (۳۱۶)
 دستیازی به خدا، مسیر مطلوب امنیت، و راهکار واقعی استراتژیک امنیت است:
 چو داردت یزدان بدو دست یاز / بدان تا نمانی بگرم و گداز
 از ایبات کلیدی و مهم در شاهنامه بیت زیر است:

ز دانا سخن بشنوای شهریار / جهان را برین گونه آباددار
 دولت‌مردی که به سخنان دانایان گوش فرامی‌دهد، دوستدار امنیت و آبادانی است. در این بیت فردوسی جنبه‌های مختلفی را به تصویر می‌کشد. خطابش را حاکم قرار می‌دهد و به همراهی و مشورت با دانایان توصیه می‌کند. در منظومه فکری فردوسی نظام سیاسی متمدن، پیشرفته و توسعه‌یافته دارای شهریاری است که ارزش دانش و خرد را می‌داند و با دانشمندان و عالمان زمانه خود حشر و نشر دارد. سخنان آن را می‌شنود و کمر به همت توصیه آنان می‌بندد. در صورتی که حاکم مصلح باشد و دانایی را پیش بگیرد، این دانایی نه تنها یک ملت و یک منطقه از جهان را آباد می‌نماید، بلکه سرتاسر جهان از آن منفعت می‌یابد.

۱۱. نتیجه‌گیری

حکیم ابوالقاسم فردوسی دارای ویژگی‌های خاصی است، وی در شاهنامه با نگاه به واقعیات اجتماعی، با طرح نظام سیاسی مطلوب خود در قالب شعر و داستان به دنبال حل مشکلات اجتماعی - سیاسی است. ترتیب ایبات به گونه‌ای منظم، سیر منطقی تشکیل نظام تمدنی را دنبال می‌کند. البته این احتمال قوی است که حکیم آنها را پس از سرودن به شکل مورد نظر خود چیده باشد. هرچند سخن گفتم از اندیشه سیاسی شاعری

حماسه‌سرا در قالب مفاهیم جدید دشوار است؛ اما این نوشته با بررسی شاهنامه، نظریه‌ای منظم و کاربردی در ارتباط با امنیت با توجه به اندیشه‌های این اندیشمند را پی‌ریزی نمود. از آنجایی که مفروض این نوشته آن است که فردوسی، حکیم، دانشمند و مسلمان است، در نتیجه نظریه برآمده از آن نظریه‌ای اسلامی است و از سویی دیگر فردوسی به عنوان شخصیتی تمدن‌ساز شناخته شده است. در این پژوهش، به‌مثابه یک نظریه اسلامی امنیت هفت محور: مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، دوست و دشمن، روش‌ها و ابزارهای تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی بررسی شد.

بی‌تردید حکیم فردوسی ناقل صرف داستان نبوده است و نباید شاهنامه را تنها از دیدگاه ادبی یا تاریخی مطالعه کرد. وی داستان را ظرفی برای بیان اندیشه‌های خود ساخته است. بزرگ‌ترین کاستی و ضعف تمدن ایران در طول دوران تاریخی، فقدان مبانی نظری و تئوری در باب شیوه رهبری، حکومت و جامعه است. وی از معدود شاعران سرتاسر ادبیات فارسی است که اصول نهادهای اجتماعی و طرح حکومتی دارد، از این جهت فردوسی شاعری بی‌همتا است. دوران سرودن شاهنامه، پر از هرج و مرج و ناآرامی است. دغدغه اصلی فردوسی، هویت ملی، پاسداری از زبان پارسی، امنیت، عدالت و نظام سیاسی مطلوب است. حکومت در شاهنامه جایگاه بسیار مهمی دارد. فردوسی شاهنامه را با پرسش درباره چگونگی پیدایش حکمرانی آغاز می‌کند تا هدف و محور اصلی کتابش را نشان دهد. از این‌رو، محور بنیادین شاهنامه، نظام سیاسی و چگونگی ظهور و سقوط آن است. پس، موضوع اصلی با این نگاه در شاهنامه امنیت است. امنیت فردی از یک‌سو با فرد و حاکم شکل می‌گیرد و از سوی دیگر امنیت به معنای حفظ حکومت از شرّ خارجی یا دشمنان خارجی است. محور اصلی این پژوهش تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مکتب امنیتی فردوسی بود. محورهای مورد توجه این پژوهش، مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، دوست و دشمن، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی بود. در جدول ذیل خلاصه پاسخ‌های مکتب امنیتی فردوسی به پرسش‌های هفت‌گانه امنیتی آمده است.

جدول ۱- نظریه امنیتی حکیم فردوسی

ردیف	نظریه و مکتب امنیتی حکیم فردوسی
۱	مفهوم امنیت مفهوم موافق: شادی، آرامش و آسایش (به معنای رضایت، مقبولیت، فراغت) مفهوم مخالف: هراس، گزند، غم، رنج، با توجه و اهمیت دنیا و عقبا
۲	ابعاد امنیت نرم‌افزاری، سخت‌افزاری (نظامی، اقتصادی، فرهنگی و...)
۳	مرجع امنیت دین، حاکم دادگر

نظریه و مکتب امنیتی حکیم فردوسی		ردیف
انسان در سطوح فردی، ملی، جهانی	سطح امنیت	۴
مبتنی بر داد: دوست: ایزد، شهریار دادگر دشمن: ابلیس، اهریمن، شهریار بیدادگر	دوست و دشمن (خیر و شر)	۵
ایمان و پرهیزکاری، آیین و دین، داد، عقل، اندیشه و خرد (دانایی)، نظامی، پرهیز از ظلم	روش‌های تحصیل امنیت	۶
اهمیت دانایی و دانایان امنیت همیشگی نیست اهمیت تشخیص امنیت و ناامنی امنیت‌سازان در جهان به نیکی یاد می‌شوند اهمیت ایمان و وحدت نیکوترین امر در حکومت: داد	راهکارهای استراتژیک امنیتی	۷

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- احمدی، حمید؛ حسنی باقری شریف‌آباد، مهدی (۱۳۸۹). خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی. سیاست، ۴۰(۳): ص ۲۱-۴۰.
- ادیب برمند، عبدالعلی (۱۳۷۹). به پیشگاه فردوسی. تهران: شبائیز.
- اسپرینگز، توماس (۱۳۷۷). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگه.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۹). زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تحلیلی از شخصیت هفت پهلوان. تهران: ابن سینا.
- اشپولر، بارتولد (۱۳۷۹). تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی. ترجمه جواد فلاطوری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۷۱). آرمانشهر در اندیشه ایرانی. تهران: نشر نی.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳). تاریخ بیهقی. تصحیح علی‌اکبر فیاض؛ به اهتمام محمدجعفر یاحقی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پرهام، باقر (۱۳۷۳). با نگاه فردوسی: مبانی نقد خرد سیاسی در ایران. تهران: نشر مرکز.
- جوانشیر، ف.م. (۱۳۵۹). بحثی در محتوای سیاسی شاهنامه فردوسی. تهران: حزب توده.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۵۱). مکتب‌های ادبی. تهران: نیل، ج ۱.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۳). درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی. تهران: توس.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲). تحول اندیشه سیاسی شرق باستان. تهران: قومس.
- رزمجو، حسین (۱۳۶۸). انسان آرمانی و کامل. تهران: امیرکبیر.
- رنجبر، احمد (۱۳۶۳). جاذبه‌های فکری فردوسی. تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). نامورنامه درباره فردوسی و شاهنامه. تهران: سخن.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- کسرابی، محمدسالار (۱۳۸۶). اندیشه سیاسی فردوسی. علوم سیاسی، ۴(۷): ۲۱۳-۲۳۴.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۵). اصول رهیافت امنیتی پیامبر در قرآن کریم. علوم سیاسی، ۹(۳۵): ص ۱۸۷-۲۰۲.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳). امنیت متعالیه. سیاست متعالیه، ۲(۵): ص ۷-۲۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحار الأنوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷۸.
- مختاریان، بهار (۱۳۸۹). درآمدی بر ساختار اسطوره‌ای شاهنامه. تهران: آگه.
- منشادی، مرتضی (۱۳۸۹). پیوند اسطوره و سیاست در شاهنامه: تلاش برای بازتولید هویت ملی ایرانیان. مطالعات ملی، ۱۱(۴۱): ص ۳۷-۵۶.

مول، ژان (۱۳۶۹). دیباچه شاهنامه فردوسی. تهران: جیبی.

ناجی، محمد (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی فردوسی. فرهنگ پژوهش، شماره ۲: ص ۱-۲۸.

هیلتز، جان (۱۳۸۱). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.